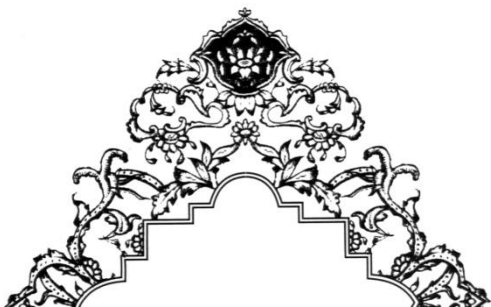




نمایشنامه

ماجرای دختری که «شاید» شاهزاده خانم بود!



گروه سنی: کودک

سرشناسه	:	اکبرلو، منوچهر، ۱۳۴۱ -
عنوان و نام پدیدآور	:	ماجرای دختری که «شاید» شاهزاده خانم بود!/ منوچهر اکبرلو.
مشخصات نشر	:	تهران : آماره، ۱۴۰۰
مشخصات ظاهری	:	۶۰ ص.؛
شابک	:	978-622-732607-9
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
یادداشت	:	بالای عنوان : نمایشنامه.
عنوان دیگر	:	نمایشنامه.
موضوع	:	نمایشنامه فارسی -- قرن ۱۴
موضوع	:	Persian drama -- 20th century
رده بندی کنگره	:	PIR۷۹۵۳
رده بندی دیویی	:	۶۲/۲۴۸
شماره کتابشناسی ملی	:	۶۱۶۲۶۲۷

نمایشنامه

ماجرای دختری که «شاید» شاهزاده خانم بود!

منوچهر اکبرلو



©Nashre Amareh, MMXXII



عنوان: ماجرای دختری که «شاید» شاهزاده خانم بود!

نویسنده: منوچهر اکبرلو

شابک: ۹-۰۷-۷۳۲۶-۶۲۲-۹۷۸

نوبت چاپ: اول تاریخ چاپ: ۱۴۰۰

تیراژ: ۳۰۰ نسخه

هرگونه کپی برداری، اسکن و میکروفیلم، برداشت آزاد، جزئی یا کلی بدون اجازه مکتوب نشر آماره یا مولف ممنوع بوده و پیگرد قانونی دارد
محتوای اصلی کتاب بازتاب اندیشه‌های پدیدآورنده می‌باشد و مسئولیت
درستی آن به عهده‌ی ایشان می‌باشد.

© تمامی حقوق چاپ و نشر برای نشر آماره محفوظ است

دفتر مرکزی نشر آماره: تهران، میدان انقلاب، خیابان انقلاب، ابتدای
خیابان دوازده فروردین، پلاک ۳۱۶، واحد ۴ تلفن ۰۹۳۶۸۷۶۴۳۹۱

برای آگاهی از مراکز فروش و سایر اطلاعات به وبسایت نشر آماره مراجعه کنید:

www.nashre-amareh.ir

یادداشت ناشر

تا سه - چهار سال پیش، شاید هنوز هم، وقتی در کتاب‌فروشی‌ها و کتابخانه‌ها سراغ نمایشنامه‌های ایرانی می‌رفتم، از کمی آثار داخلی و خالی بودن قفسه‌های کتاب از نام نویسندگان جوان و خوش‌قریحه و باذوق عرصه ادبیات نمایشی، دچار یأس و ناامیدی می‌شدم. گونه‌ای ادبی که در سخت‌ترین شرایط جوانه‌زده و در بحرانی‌ترین زمان بالیده و رشد کرده بود، حالا دچار رکود و فراموشی شده بود!

برای احیا و جمع کردن آثار، راه‌حل‌های زیادی وجود داشت. یکی از آن‌ها تماس و ارتباط گرفتن با عزیزان اهل قلم و صاحب سبک بود که تعدادی از اساتید دانشگاهی و تعدادی هم از دوستان تئاتری و هم‌قلم بودند. راه دیگر ایجاد انگیزه و دست دراز کردن به طرف مؤلف‌های جوان بود که همین کار هم انجام شد. اولین کتاب را در سال ۹۷ چاپ کردیم که با استقبال خوبی همراه بود و بعد به ترتیب طی هماهنگی با نویسندگان بزرگ و صاحب‌نام که بر ما منت گذاشتند تا در خدمتشان باشیم. تعداد زیادی اثر به دستم رسید. خوب باید از این استقبال قدرانی می‌شد. بهترین شکل قدردانی، برخورد علمی- ادبی و منصفانه با نمایشنامه‌ها بود. باید بهترین‌ها را انتخاب می‌کردم آن هم با اصول و معیارهای قابل قبول. برای اینکه این برخورد

علمی- ادبی منصفانه صورت گیرد، از میان همه نویسندگان که سال‌ها کار کرده بودند. تعداد چشمگیری را انتخاب کردم که شایسته چاپ در این پک ادبی بودند. تا هر خواسته و سلیقه‌ی مخاطب اهل تئاتر را فراهم کرده باشم. بسیار سخت‌گیر و مشکل‌پسند که چندین اثر گواه این ادعاست.

انتشارات آماره به نیت همراه شدن با نمایشنامه‌نویسان و ارج نهادن به شور و شوق آفرینش‌گرانه آن‌ها در این وضعیت عجیب و ترسناک اقتصادی به یاری و خواست خدا و همت شما نویسندگان عزیز این مسیر را ادامه خواهد داد. امیدواریم که مجموعه نمایشنامه‌ها مورد پسند خوانندگان عزیز قرار بگیرد و انگیزه‌ای باشد برای خلق آثار بهتر.

در پایان از مدیرمسئول محترم انتشارات آماره جناب آقای فرهاد نوع‌پرست که زحمت بسیار زیادی کشیدند و از تیم زحمتکش این نشریه و انتشارات که امکانات گرم کردن این فضا را مهیا ساخت، بسیار متشکرم.

هومن بنائی

دبیر بخش ادبیات نمایشی

و داستانی

نکته: برای حفظ فضای فانتزی نمایشنامه،
فضای قصه به جغرافیای خاصی مربوط
نمی‌شود. می‌تواند ایرانی باشد یا غیر ایرانی.
اسم‌ها هم قابل تغییرند.

نقش‌ها:

- ۱- سارا
- ۲- پدر سارا
- ۳- مادر سارا
- ۴- دادا برادر سارا
- ۵- نیکو دوست سارا
- ۶- پیکو دوست سارا
- ۷- منشی
- ۸- خانمِ اخمو
- ۹- دخترِ خانمِ اخمو



صحنه ۱

یک خانه. مادر دائم این طرف و آن طرف می‌رود و کار می‌کند. دادا (برادر کوچک سارا) دارد برای خودش بازی می‌کند.

مادر	سارا!!
صدای سارا	آوردم.
سارا	(سارا وارد می‌شود. چیزی در دست دارد و به مادر می‌دهد.)
	بفرمایین.
مادر	حالا برو سراغ...
سارا	چشم! درسم... آگه این دادا بذاره.
دادا	بیا با من بازی کن.
سارا	ای خدایا!!!!

مادر	همه دوست دارن با برادر خواهر کوچیکترشون بازی کنن.
------	---